

بحث‌هایی از فقه تطبیقی مهدی پیشوائی - حسین گودرزی

فهرست

بیشگفتار معاونت آموزش و تحقیقات	7
مقدمه مؤلفان	11
آیا خواب ناقض وضو است؟	13
اذان و اقامه	21
فضیلت نماز جماعت	29
شکوه نماز جماعت در حرمین	33
!سجده بر پشت نمازگزار؟	45
عبور از مقابل نمازگزار	47
آیا بسم الله الرحمن الرحيم رادر نماز باید بلند خواند یا آهسته؟	55
آمین	61
قنوت	63
دیدگاه شیعه و سنی بی‌رامون سلام آخر نماز	69
جمع بین نمازها؟	73
نماز مستحبی پیش از ظهر	79
نماز طواف از دیدگاه فقهای شیعه و سنی	83
رمی جمره از دیدگاه فقهای شیعه و اهل سنت	89

بسم الله الرحمن الرحيم

« مراتب معنوی حج که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه نزدیک می‌نماید، حاصل نخواهد شد مگر آنکه دستورات عبادی حج بطور صحیح و شایسته مو به مو عمل شود. » حضرت امام خمینی قدس سره حجّ نمایشی پرشکوه، از اوج رهایی انسان موحد از همه چیز جز او، و عرصه پیکاری فرا راه توسن نفس، و جلوه بی‌مانندی از عشق و ایثار، و آگاهی و مسئولیت، در گستره حیات فردی و اجتماعی است. پس حجّ تبلور تمام عیار حقایق و ارزشهای مکتب اسلام است. مؤمنان گرچه با این عبادت الهی، آشنایی دیرینه دارند، و هر سال با حضور شورانگیز از سراسر عالم، زنگار دل، با زلال زمزم توحید می‌زدایند، و با حضرت دوست تجدید میثاق می‌کنند، و

گرچه میراث ادب و فرهنگ ما، مشحون از آموزه‌های حیاتبخش

حجّ است، اما هنوز ابعاد بی‌شماری از این فریضه مهم، ناشناخته و مهجور مانده است. پیروزی انقلاب اسلامی، در پرتو اندیشه‌های تابناک امام خمینی - رضوان الله تعالی علیه - حجّ را نیز همچون سایر معارف و احکام اسلامی، در جایگاه واقعی خویش نشانند، و سیمای راستین و محتوای غنی آن را نمایاند. اما هنوز

راهی دراز در پیش است، تا فلسفه و ابعاد و آثار و برکات حجّ، شناخته و شناسانده شود، و مؤمن حجّ گزار با آگاهی و شعور دینی، بر آن مواقف کریمه، و مشاعر عظیمه، که محلّ هیبوط ملائکه الله، و توقف انبیا و اولیا بود، گام بگذارد. در راستای تحقق این هدف بزرگ، بعثه مقام معظم رهبری با الهام از اندیشه های والا و ماندگار امام راحل، احیاگر حجّ ابراهیمی - قدس سره الشریف - و بهره گیری از رهنمودهای ارزشمند رهبر عزیز انقلاب اسلامی حضرت آیه الله خامنه ای - مدظله العالی - با تأسیس معاونت آموزش و تحقیقات، تلاش می کند فصل جدیدی فراراه اندیشمندان مسلمان، و علاقمندان به فرهنگ حجّ، و زائران و راهیان حرمین شریفین بگشاید. از این رو در عرصه تحقیق و تألیف و ترجمه، آثار گوناگون پیرامون حقایق و معارف حجّ، آشنایی با اماکن مقدسه، تاریخ و سرگذشت شخصیت‌های بزرگ اسلام، بررسی رویدادها و عرضه خاطرات و بویژه آموزش مسائل و آداب حجّ تلاش‌هایی را آغاز کرده است.

6

آنچه اینک پیش روی خواننده قرار دارد برگ سبزی است از این دفتر. بی گمان راهنمایی و همراهی اندیشوران، از نارسائی‌ها خواهد کاست، و در این راه معاونت آموزش و تحقیقات بعثه مقام معظم رهبری، از همکاری همه علاقمندان استقبال کرده، و دست آنان را به گرمی می فشارد. و من الله التوفیق و علیه التکلان معاونت آموزش و تحقیقات بعثه مقام معظم رهبری

مقدمه

پیامبر اسلام در سال دهم هجرت با حضور بیش از صد هزار نفر از مسلمانان، فریضه بزرگ حج را انجام داد و به این وسیله این عبادت بزرگ را به مسلمانان آموزش داد، لذا در اعمال

7

مهم حج مانند: احرام، طواف، سعی بین صفا و مروه، وقوف در عرفات، مشعر و منی، ذبح قربانی، رمی جمرات، چندان اختلافی در میان مسلمانان نیست، زیرا یاران و همراهان حضرت، از نزدیک، این برنامه‌ها را مشاهده نموده، و برای دیگران نقل و آنان نیز به سهم خود آن را روایت کرده اند تا به نسل‌های بعدی رسیده است.

گرچه در اصول حج اختلافی وجود ندارد، لیکن در پاره ای از فروع و جزئیات مناسک حج، بین فقهای شیعه و سنی از یک طرف، و فقهای چهارگانه اهل تسنن از طرف دیگر اختلاف نظر وجود دارد.

همچنین در مورد اذان و اقامه، اوقات نماز، نماز جماعت و آداب آن و مانند اینها نیز موضوع از این قرار است؛ یعنی با آنکه در اصل اینها اختلافی نیست، اما در برخی از مسائل فرعی مربوط به آن اختلاف نظر فقهی بین علمای اسلام وجود دارد.

از سوی دیگری در موسم حج حاجیانی که از سرتاسر جهان در این کنگره بزرگ شرکت می کنند، از پیروان مذاهب مختلف اسلامی هستند و هر کدام اعمال خود را طبق مذهب فقهی خویش انجام می دهند، بنابراین اگر دیگران از دیدگاه فقهی آنان بی خبر باشند، سوء تفاهم‌ها و گاه رنجشها و مشکلاتی را به دنبال خواهد داشت.

با توجه به این ملاحظات، جزوه حاضر که نوعی فقه تطبیقی پیرامون بخشی از مسائل یاد شده است در «مرکز تحقیقات حج» تهیه و تنظیم شده و طی آن ریشه های فقهی دیدگاه های

8

فقهای تشیع و تسنن در زمینه تعدادی از مسائل مورد ابتلا در سفر حج، تبیین و توضیح داده شده است. امید است این مجموعه کوچک در سفر حج برای ارشاد و راهنمایی حجاج - که غالباً در این زمینه آگاهی لازم را

ندارند - مفید واقع شود. و اگر کاستیهایی دارد - که طبعاً هم چنین است - با یادآوری و تذکرات دانشمندان و صاحب نظران و روحانیان محترم گروههای حج، در فرصتهای آینده برطرف و تکمیل گردد.

قم - مهدی پیشوایی

اسفند ۱۳۷۱ هـ . ش

آیا خواب ناقض وضو است؟

از جمله اموری که مبطل و ناقض وضو است «خواب» می باشد، لذا در کتابهای مفصل فقهی، روایی و نیز در کتابهای فتوایی، فصلی تحت این عنوان منعقد شده است.

فقهایی شیعه در این مورد گفته اند: از جمله نواقض وضو،

9

خواب است، کم باشد، یا زیاد، در حال ایستاده باشد، یا نشسته، به پهلو باشد، یا در حال راه رفتن، البته به شرط اینکه خواب به قلب و چشم و گوش او چیره شود. بنابر این «چرت زدنی» که به این حد از خواب نرسد وضو را باطل نمی کند(1).

اجمال این مسأله مورد اتفاق «شیعه» و «سنی» است، اگر چه به برخی از فقهایی هر دو فرقه نسبت مخالفت داده اند(2).

کدام خواب ناقض است؟

در اینکه چگونه خوابی ناقض وضو است، هم در میان شیعه و سنی و هم در میان خود فقهایی چهارگانه اهل تسنن اختلاف نظر وجود دارد که ذیلاً به توضیح مواردی از آن می پردازیم:

آراء و نظریات فقهایی شیعه

فقهایی شیعه گفته اند: خوابی وضو را باطل می کند که بر دل مستولی و چیره شود، تا آنجا که شعور و احساس را از کار بیاندازد. و به تعبیر دیگر: خواب واقعی ناقض وضو است و نشانه و

1- سید کاظم یزدی - ره - ، عروة الوثقی، دارالکتب الاسلامیه، ص ۶۱.

2- از اهل سنت به «اوزاعی» و از شیعه به مرحوم «صدوق» و پدرش نسبت داده اند. ولی برخی از فقهایی معاصر این نسبت را به صدوق و پدرش، دور از واقعیت و مردود دانسته اند؛ التنقیح (تقریرات فقه) آیه الله خوئی - ره - ، مؤسسه آل البیت، ج ۴، ص ۴۸۰.

10

علامت آن این است که بر گوش و چشم مستولی و چیره می شود(1). مستولی بر «دل»، «چشم» و «گوش»، برگرفته از روایاتی است که از امامان معصوم - علیهم السلام - رسیده است (2). لذا این گونه تعبیرها هم در کتابهای فقهی نخستین شیعه و هم در منابع فقهی معاصر آمده است و غالباً فقهایی شیعه دو تعبیری که در روایات آمده است به کار برده اند: یکی «خواب غالب بر عقل(3)» دیگری «خواب غالب بر چشم و گوش(4)». «دو تعبیر به این معنا نیست که فقهایی شیعه در تعریف خوابی که ناقض

است اختلاف نظر دارند، بلکه تعبیر نخست، به تبیین اصل و واقعیت خواب ناقض پرداخته، و تعبیر دوم به نشانه های آن اشاره کرده است، لذا برخی از فقها از هر دو عبارت و تعبیر استفاده

1- التفتیح (تقریرات فقه آیه الله خونی - ره -)، ص ۸۰.

2- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت لأحیاء التراث، ج ۱، باب ۳ نواقض الوضوء، ح ۲، ۷.

3- شیخ مفید، مقنعه (ضمن جوامع الفقهیه)، ص ۳؛ سلاک، المراسم (ضمن جوامع الفقهیه)، ص ۵۶۷؛ سید مرتضی، ناصریات، ص ۲۲۲؛ آیه الله خونی - ره -، منهاج الصالحین، قم، ط ۲۸، مدینه العلم، ج ۱، ص ۴۲.

4- شیخ طوسی، من نکت النهایة (ضمن جوامع الفقهیه)، ص ۶۰۱؛ محمد بن علی بن حمزه (معروف به ابن حمزه)، الوسیله، ص ۷۰۰؛ شیخ طوسی، النهایة (ضمن جوامع الفقهیه)، ص ۲۶۶؛ امام خمینی - رضوان الله علیه -، تحریر الوسیله، قم، النشر الاسلامی (التابعة) لجامعة المدرسین، ج ۱، ص ۲۷؛ محقق حلی، المعتمد فی شرح المختصر، قم مؤسسه الشهداء، ج ۱، ص ۱۰۸.

نموده و چنین گفته اند:

چهارم از نواقض وضو «خواب غالب بر عقل» است و راه شناخت چنین خوابی غلبه آن بر گوش و چشم است(1).

دلایل فقهایی شیعه

اولین دلیل فقهایی شیعه از سلف تا معاصرین، آیه وضو است:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ(2)»...

«ای کسانی که ایمان آورده اید چون به نماز برخاستید صورت و دستهایتان را با آرنج بشویید.»

از فقهایی نخستین شیعه، مرحوم سید مرتضی (۳۵۵ - ۴۳۶ هـ . ق) در «ناصریات (3)» و «الانتصار (4)» و ابن زهره (۵۱۱ - ۵۸۵ هـ . ق) در «الغنیة (5)» گفته اند: مقصود از آن، «اذا قمت من النوم» است، یعنی «چون از خواب برخاستید، برای نماز، وضو بگیرید». برخی از فقهایی بزرگ معاصر نیز در

1- آیه الله خونی - ره -، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۴۲.

2- مانده : ۶.

3- سید مرتضی، ناصریات (ضمن جوامع الفقهیه)، ص ۲۲۲؛ الانتصار (ضمن جوامع الفقهیه)، ص ۱۰۴.

4- همان مدرک.

بیان دلایل حکم مورد بحث، به این آیه اشاره نموده اند(1). اینکه فقهای مذکور در استدلال به آیه، اجماع مفسرین را مطرح کرده اند، آنچه برای فقهای شیعه مهم است این است که امام معصوم نیز چنین تفسیری از آیه نموده است، چنانکه در حدیث موثقی از «ابن بکیر» نقل شده است که می گوید:

به امام صادق - ع - عرض کردم: معنای آیه: «إذا قمتم الي الصلوة...چیست؟

حضرت فرمود: «یعنی هرگاه از خواب برخاستید»، عرض کردم: خواب وضو را باطل می کند؟ فرمود: «هرگاه بر گوش غالب آید و صدا را نشنود(2)» - ع - ، فتوا داده اند که خواب، خود حدث و ناقض وضو است.

بنا بر نقل «ابن رشد قرطبی» - از فقهای قرن پنجم اهل سنت - در «بداية المجتهد» برخی از فقهای اهل سنت نیز در مورد ناقض بودن «خواب» با این آیه استدلال کرده اند(3).

نظریه فقهای اهل سنت

ابن رشد نظریه فقهای اهل سنت را در مورد ناقض بودن «خواب» به سه دسته تقسیم می کند:

الف : گروهی آن را - چه اندک باشد، چه بسیار - حدث و ناقض

1- آیه الله خونی، التنقیح، قم، آل البيت، ج ٤، ص ٤٧٩.

2- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ١، باب ٦، نواقض الوضوء، ح ٧.

3- ابن رشد قرطبی، بداية المجتهد، بیروت، دارالمعرفة، ج ١، ص ٣٦.

وضو می دانند. - چنانکه در دنباله بحث خواهیم گفت، فقهای شافعی و حنبلی بر این نظریه اند -.

ب : دسته ای دیگر آن را حدث و موجب وضو نمی دانند مگر اینکه یقین کند در خواب حدثی از او سر زده است.

ج : گروه سوم فرق نهاده اند میان خواب سبک، و خواب سنگین و تنها دومی را ناقض وضو دانسته اند. نظریه اکثریت فقهای اهل تسنن همین است(1).

یادآوری این نکته لازم است که این مسأله از اینجا ریشه می گیرد که آیا «خواب» خود حدثی است مستقل و موجب نقض وضو؟ یا اینکه خواب موضوعیت ندارد ولی چون در حال خواب بدن سست می شود و ممکن است موجب حدثی دیگر شود، از این جهت ناقض وضو است؟ فقهای شیعه بر اساس روایات امامان معصوم - علیهم السلام - و آیه وضو، خواب مستولی بر چشم و گوش را بطور اطلاق ناقض می دانند، چه در حال ایستاده، چه نشسته و چه در حالات دیگر و این معنا صراحتاً در روایتی از معصوم آمده است که فرموده: «النوم حدث(2)» خواب را حدث معرفی نموده است. بر این اساس در کلمات فقهای شیعه در اعصار نخستین، در شمارش نواقض وضو چنین آمده است:

« والنوم فإنه بمجرد حدث»(3) خواب، خود حدث است.»

1- ابن رشد قرطبي، بداية المجتهد، بيروت، دارالمعرفة، ج ۱، ص ۳۶ - ۳۷.

2- شيخ حر عاملي، وسائل الشيعه، ج ۱، ص ۲۵۳، ح ۴ (لاينقض الوضوء الا حدث و النوم حدث).

3- ابن زهرة، الغنية (ضمن جوامع الفقهية)، ص ۸۷؛ سيد مرتضي، ناصريات (ضمن جوامع الفقهية) ص ۲۲؛ سيد مرتضي، الانتصار (ضمن جوامع الفقهية)، ص ۱۴۰.

14

و برخي با تعبير ديگر آن را از جمله حدثها دانسته و گفته اند:

« من الأحداث الموجبة للوضوء، النوم» (1) از جمله حدثهاي ناقض وضو، خواب است.»

آيا ناقض بودن خواب براي وضو از ویژگیهاي فقه اماميه است؟

فقهائي حنبلي و شافعي با نظريه فوق موافقتند. آنان معتقدند كه: «النوم ينقض الوضوء بنفسه» (2) است. و مرحوم سيد مرتضي علم الهدی در دو كتاب خود «الانتصار» و «ناصریات» به موافقت فقهائي شافعي با نظريه اماميه اشاره نموده است (3). و در الانتصار كه فتاواي ويژه شيعه را نقل مي كند در اين مورد چنين مي گويد:

از اموري كه گمان برده شده از ویژگیهاي فقه «اماميه» است، ناقض بودن «خواب» براي وضو است، ولي اين از اختصاصات شيعه اماميه نيست زيرا كه «مزني» شافعي نيز چنين نظريه اي دارد (4).

حنبليها در اين زمينه گفته اند: خواب نقض وضو مي كند در هر حالي كه باشد، مگر اينكه از نظر عرف خواب اندكي باشد كه وضو را

1- شيخ مفيد، المقتعه (ضمن جوامع الفقهية)، ص ۳.

2- عبدالرحمن الجزيري، الفقه علي مذاهب الاربعه، بيروت، دارالفكر، ج ۱، ص ۸۰، البته شافعي قيدي براي آن ذكر نكرده است.

3- سيد مرتضي، ناصريات (ضمن جوامع الفقهية)، ص ۲۲۲.

4- سيد مرتضي، الانتصار، ص ۱۴۰.

15

باطل نمي كند. شافعيها نيز گفته اند: خود خواب ناقض وضو است، اگر چه يقين داشته باشد كه حدثي ديگر از او صادر نشده است (1).

در قبيل نظريه فوق، نظريه ديگري از اهل تسنن است كه خود خواب را حدث نمي داند بلكه از آن جهت كه پيدايش حدث ديگري بر آن مترتب است، مبطل مي دانند (2).

از نظر فقهائي حنفي خواب در سه حالت ناقض وضو است: ۱ - خوابيدن به پهلو ۲ - خوابيدن به پشت ۳ - خواب نشستگي اي كه يك پا را از زير بدن خارج نمايد و بر يك پا تكيه كند (3). چنانكه ملاحظه

می شود، «حالات و نحوه خوابیدن» در حکم به بطلان وضو و عدم حکم به بطلان، نزد آنان مؤثر است، زیرا «خواب» در نظر آنان موضوع حکم نیست بلکه «حالتی که موجب بروز حدث است»، موضوع حکم است.

این نکته قابل دقت است که کلمات فقهای سلف شیعه که به صورت اطلاق، حکم به ناقض بودن خواب نموده اند، بدون آنکه حالت خاصی در آن دخیل باشد، ناظر به فتوای این دسته از فقهای اهل سنت است (4).

فقهای مالکی در حالات شخص خوابیده، تفصیل نداده اند بلکه

1- عبدالرحمن الجزیری، الفقه علی مذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۸۰.

2- همان مدرک.

3- همان مدرک.

4- به عنوان نمونه، ابن زهره، در الغنیة، ص ۸۷، می گوید: «فانه» نوم) بمجرد حدث من غیر اعتبار باحوال النائم؛ و در ناصریات سید مرتضی، ص ۲۲۲، آمده است: «وعندنا: ان النوم الغالب علی العقل و التمییز ینقض الوضوء علی اختلاف حالات النائم»؛ و در عروة الوثقی، ص ۶۰، سید کاظم یزدی، فرموده است: «الرابع النوم مطلقاً.»

16

در خود خواب تفصیل قائل شده اند، به این صورت که اگر خواب سنگین باشد در هرحال ناقض وضو است، اگر چه مدت کوتاهی باشد و اگر سبک باشد، ناقض نیست اگر چه مدتی طول بکشد (1).

نکته: باتوجه به تفصیلاتی که فقهای اهل تسنن و تشیع در مورد ناقض بودن «خواب» مطرح کرده اند، آنچه گاهی در حرم مکی و مدنی دیده می شود که شخصی در حال نشسته ساعتی می خوابد و بعد بدون تجدید وضو نماز می خواند، بنابر فتوای فقهای شیعه، شافعی، و حنبلی اشکال دارد.

1- عبدالرحمن الجزیری، الفقه علی مذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۸۰.

17

اذان و اقامه

اذان و اقامه اهل سنت از نظر وقت، کیفیت و تعداد فرازهای آن با شیعه تفاوتی دارد. می دانیم «اذان» در لغت به معنای «اعلام» است، (1) اعلام اوقات نماز به وسیله الفاظ خاص، اذان نامیده می شود، (2) برخی از فرق اهل تسنن، (3) می دانند، (4) (5)

1- فیومی مصباح المنیر 2- محمد جواد مغنیة، الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۷، ص ۱۰۱ - نیل الأوطار، شوکانی، بیروت، دارالتراث، ج ۲، ص ۳۱ 3- مالک، پیشوای فرقه مالکیه اذان را فقط برای نماز جماعت مساجد واجب می داند - ابن رشد قرطبی، بدایة المجتهد، بیروت، دارالمعرفة، ج ۱، ص ۱۰۶ 4- شافعی و ابوحنیفه آن را مستحب می دانند چه در نماز فرادی و چه در جماعت ولی در جماعت تأکید بیشتری دارند.

ابن رشد، همان کتاب، ص ۱۰۶. ۵ - امام خمینی - ره - تحریر الوسیلة، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۳ هـ. ش، ج ۱، ص ۱۳۹.

اذان پیش از طلوع فجر در حقیقت اذان برای نمازهای یومیه مشروع است، و فقهای اسلام، وقت آن را بعد از داخل شدن وقت نماز می دانند، (1) نماز صبح که برخی از فقهای اهل تسنن آن را پیش از طلوع فجر جایز دانسته اند. و بدین جهت اذانی که در مکه و مدینه قبل از طلوع فجر گفته می شود، بر اساس این مبناي فقهی است. البته گرچه گفتن اذان اعلام را قبل از طلوع فجر جایز می دانند، ولی برای خواندن نماز صبح به آن اکتفا نکرده و بعد از داخل شدن وقت نماز صبح، اذان دیگری نیز می گویند و برخی از فقهای آنان به این معنا فتوا داده اند (2). باید توجه داشت که این حکم اختصاص به اهل تسنن ندارد، بلکه برخی از فقهای شیعه نیز اذان اعلام پیش از طلوع فجر را جایز می دانند؛ چنانکه در کتابهای برخی از مراجع متأخر، به آن فتوا داده شده (3) روایات شیعه نیز وارد گردیده است (4). با توجه به آنچه گفته شد، این ابهام از ذهن زائران ایرانی برطرف می گردد که چرا یک ساعت قبل از طلوع فجر در مسجد الحرام و مسجد النبی اذان می گویند؟ زیرا معلوم و واضح شد که آنان این کار را بر اساس

1- نووي، الأذکار، بیروت، دارالعلوم الحدیث، ص ۳۷، ابن رشد، بداية المجتهد، بیروت، دار المعرفة، ج ۱، ص ۱۰۷. 2- ابن رشد قرطبي، بداية المجتهد، ص ۱۰۷. 3- آية الله خويي - ره - منهاج الصالحين، قم، مدينة العلم، ج ۱، ص ۱۵۱. 4- مجلسي - ره - بحار الأنوار، بیروت، الوفاء، ج ۸۱، ص ۱۱۷.

یک حکم فقهی انجام می دهند، و - چنانکه گفته شد - اختصاص به فقه آنان ندارد، بلکه در فتاوی فقهای شیعه نیز به چشم می خورد. و اما این که بسیاری از حاجیان تصور می کنند سه اذان گفته می شود، درست نیست، بلکه دو تاي اولي اذان و سومي اقامه است. گواه این مطلب، این است که در سومي هر یک از فرازها را یک بار، و پس از آنها جمله «قد قامت الصلاة» را که فرازهای ویژه اقامه است می گویند. کلمات اذنان جمله موارد اختلاف در اذان، تفاوت تعداد فرازهای آن است که اهل تسنن جمله «حي علي خير العمل» را که به معنای: «بشتاب به سوي بهترين عمل (نماز)» می باشد را در اذان نمی گویند و به جای آن در اذان صبح «الصلاة خير من النوم» «نماز بهتر از خواب است» را جایگزین می کنند و این از موارد مهم اختلاف میان شیعه و اهل تسنن است. تاریخ حذف «حي علي خير العمل» از اذان، به دوران خلافت خلیفه دوم برمی گردد، زیرا در زمان او جنگ و جهاد با کفار و دشمنان اسلام به اوج خود رسیده بود، خلیفه فکر کرد که تکرار «حي علي خير العمل» پنج نوبت در شبانه روز با روح جهاد و مبارزه مسلمانان سازگار نیست! و اگر این روال ادامه یابد ممکن است رزمندگان اسلام جبهه جنگ را رها کرده به نماز بپردازند، لذا دستور داد آن جمله را از اذان حذف نمایند، چنانکه صدوق - ره - نقل می کند که «عکرمه» از «ابن عباس» پرسید: چرا «حي علي خير العمل» از اذان حذف شده است؟ ابن عباس گفت: عمر به این کار دستور داد، و خواست مردم تنها به نماز تکیه

نکنند و جهاد را رها نمایند. به این جهت آن را حذف نمود (1)! امام باقر - ع - نیز فرمود: جمله «حي علي خير العمل» در زمان رسول خدا، و نیز در زمان ابوبکر و اوائل خلافت عمر گفته می شد، سپس عمر دستور حذف آن را داد، وقتی علت آن را پرسیدند، گفت: مردم عوام وقتی بشنوند که نماز بهترین عمل است، در جهاد سستی کرده و از رفتن به جبهه خودداری میورزند (2). و از امام چهارم نیز نقل شده است که «حي علي خير العمل» در اذان نخستین اسلام بوده است، (3) گاهی در اذان خود آن را می گفته است (4). برخی از دانشمندان اهل تسنن نیز نقل کرده اند که این جمله در زمان رسول خدا در اذان گفته می شده و در زمان عمر از آن حذف گردیده است، چنانکه «قوشجي» یکی از دانشمندان برجسته جهان تسنن نقل می کند که عمر می گفت: «مردم! سه چیز در زمان رسول خدا رایج و مورد عمل بود و من از آنها نهي می کنم، و آنها را حرام اعلام می کنم، و هر کس آنها را به جا آورد، او را مجازات می کنم، و آن سه چیز عبارتند از: ۱ - متعه (از دواج موقت). ۲ - روابط زناشویی دو همسر بین عمره تمتع و حج تمتع. ۳ - گفتن «حي علي خير العمل» در اذان (5).

1- مجلسی، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه وفاء، ج ۸۱، ص ۱۴۰. 2- مجلسی، همان کتاب، ص ۱۶۰. 3- شوکانی، نیل الأوطار، قاهره، دارالتراث، ج ۲، ص ۳۸ و ۸۳. 4- همان مأخذ 5- قوشجی، شرح تجرید الاعتقاد، ط قدیم، ص ۴۸۴. سید شرف الدین، النص و الاجتهاد، ط ۳، نجف الأشرف ۱۳۸۳ هـ. ق، ص ۲۲۴. البته قوشجی پس از نقل قضیه، اقدام خلیفه را چنین توجیه می کند که وی اجتهاد کرده است. ولی می دانیم که اجتهاد در مقابل نص هرگز اعتبار ندارد.

21

«ابوالقاسم کوفی» (متوفای ۳۵۲ هـ ق) در باره چیزهایی که عمر از اذان کاست یا به آن افزود، می نویسد: «چنانکه از روایات وارد شده از طریق شیعه معلوم می شود، جمله» حی علی خیر العمل «در اذان عهد رسول خدا - ص - بوده است، و عمر این جمله را - به این بهانه - از اذان حذف نمود تا مردم تنها بر نماز تکیه نکنند، و جهاد را رها ننمایند و با این توجیه این فراز را از اذان و اقامه حذف نمود، و پیروانش نیز پذیرفتند و از او پیروی کردند (1)». تردیدی نیست که اقدام خلیفه در مورد تغییر اذان، به نظر او یک اجتهاد بود، و به پندار او این عمل به صورت مقطعی به نفع اسلام بود، ولی گذشته از اینکه در چنین موارد روشنی که دستور صریح آن را پیامبر اسلام داده است جای اجتهاد نیست، روش خلیفه در ادوار بعدی هم که دیگر مسأله جنگ مطرح نبود همچنان ادامه یافت، چنانکه تا امروز نیز در تمام محافل تسنن، اذان بدون «حی علی خیر العمل» گفته می شود ولی شیعیان در همان زمان هم چنین تغییری را نپسندیدند، و اذان را به صورت نخستین آن می گفتند و تا کنون نیز میان آنان به همان شکل زمان پیامبر - ص - معمول است. الصلاة خیر من النوماز جمله موارد اختلاف در اذان شیعه و سنی جمله «الصلاة خیر من

1- ابوالقاسم علی بن احمد الکوفی، الاستغاثة، (بی تا) ص ۲۴ - ۲۳.

22

النوم (1) «در اذان صبح است، این جمله در اصطلاح فقها، «تثویب (2)» نامیده می شود، و هر بامداد بر فراز مساجد مکه و مدینه در اذان گفته می شود، و حاجیان ایرانی با شنیدن آن می پرسند چرا در اذان به جای «حی علی خیر العمل» این جمله را می گویند؟ باید برای روشن شدن مطلب بگوییم: حذف «حی علی خیر العمل» و اضافه کردن «الصلاة خیر النوم» (از یک جا سرچشمه گرفته و تاریخچه واحدی دارند که از این قرار است: مالک) پیشوای فرقه مالکیه می گوید: «برای من چنین نقل کرده اند: در زمان خلافت عمر مؤذن او برای گفتن اذان حاضر شد، ولی او را خفته یافت، خطاب به وی گفت: «الصلاة خیر النوم» «عمر وقتی این جمله را شنید، پسندید و دستور داد آن را در اذان صبح بگویند (3)». «و گویا از آن زمان، مثل بسیاری از فتاوی بدون دلیل در میان مسلمانان رایج گردید و اکنون نیز فقهای اهل تسنن چنین فتوا می دهند، (4)

1- نماز از خواب بهتر است 2- تثویب در لغت به معنای بازگشت بعد از رفتن می باشد، و چون مؤذن، پس از آنکه با گفتن «حی علی الصلاة» مسلمانان را، به برگزاری نماز دعوت می کند، با گفتن «الصلاة خیر من النوم» «یا با جمله» الصلاة یرحمکم الله «مجدداً مردم را به اقامه نماز می خواند، از این نظر» الصلاة خیر... را «تثویب» نامیده اند. به همین جهت برخی آن را چنین معنا کرده اند: اذان گفتن و پس از آن فراخواندن مجدد مردم برای نماز 3- مالک، موطاء، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ هـ. ق، ج ۱، ص ۶۱. 4- الکویت، وزارة الأوقاف و الشؤون الإسلامية، موسوعة الفقهاء، ۱۴۰۷ هـ. ق، ج ۱، ص ۱۵۰.

23

مورد اتفاق نظر ندارند چنانکه نقل شده است که مردم کوفه به جای «الصلاة خیر من النوم» «بین اذان و اقامه» حی علی الصلاة «و» حی علی الفلاح «را تکرار می کردند (1) است که دلیلی برای گفتن «الصلاة خیر من النوم» وجود نداشته، لذا بهتر این دیده اند که برای دعوت مجدد مردم به نماز از کلمات خود اذان استفاده کنند. در هر حال چون گفتن این جمله فاقد دلیل شرعی است، شیعه و شافعی (در برخی فتاوايش) آن را بدعت دانسته اند (2) پسر عمر نیز آن را بدعت می دانسته و از گفتن آن اکراه داشته است. نقل شده که وی روزی در مسجد چون این جمله را از مؤذنی شنید به عنوان اعتراض از مسجد خارج گشت (3). با توجه به آنچه گفته شد، اگر چه برخی فقهای اهل سنت به جواز گفتن فراز یاد شده، در اذان صبح فتوا داده اند ولی

بسیاری دیگر آن را جایز ندانسته اند و علت اختلاف نظر آنها این است که آیا این جمله در زمان پیامبر گفته می شده یا چنانکه گفته شد، به دستور خلیفه دوم جزء اذان قرار گرفته است.

1- لغت نامه دهخدا، به نقل از کشف اصطلاحات فنون. به همین معنا سید مرتضی نیز در ناصریات تصریح کرده است. (ضمن جوامع الفقهیه، قم، مکتبه النجفی، ص ۲۲۸) و ر. ک: الکویت، وزارة الأوقاف و الشؤون الاسلامیه، همان کتاب، ط ۲، ص ۳۶۱. و مجلسی، بحار الأنوار، بیروت، دارالوفاء، ج ۸۱، ص ۱۶۸. 2- شوکانی، نیل الأوطار، قاهره، دارالتراث، ج ۲، ص ۳۸. 3- محمد جواد مغنیه، الفقه علی مذاهب الخمسه، ج ۷، پاورقی، به نقل از کتاب المغنی ابن قدامه، ج ۱، ص 408 و شوکانی همان مدرک، ص ۳۸.

24

25

فضیلت نماز جماعت

فقهای شیعه بر اساس روایاتی که در باب «نماز جماعت» از پیشوایان اسلام رسیده، اقامه نمازهای یومیه به صورت جماعت را مستحب مؤکد و دارای ارزش و پاداش بزرگ می دانند. از فقهای معاصر، امام خمینی - ره - در این زمینه چنین فتوا داده است:

با جماعت خواندن همه نمازهای واجب، بخصوص نمازهای مستحب مؤکد است و در نمازهای صبح، مغرب و عشاء استحباب تأکید بیشتری دارد(1).

در «منهاج الصالحین» می خوانیم:

با جماعت اقامه کردن تمام نمازهای واجب - جز نماز طواف - مستحب است، و استحباب آن در نمازهای یومیه، بخصوص در نماز صبح، مغرب و عشاء مؤکد است. نماز جماعت ثواب زیادی دارد و در تشویق به اقامه جماعت و نکوهش ترک آن، اخبار فراوانی با مضامین

1- تحریر الوسیله، مؤسسه النشر الاسلامی (التابعه) لجماعة المدرسين، قم، ص ۲۴.

26

بلندی نقل شده است، که چنین تأکید و اجر و فضیلتی در مورد بیشتر مستحبات دیگر نشده است(1).

در فقه اهل سنت نیز بر اقامه نماز جماعت، تأکید شده است. بر اساس فقه مذهب «حنبلی» و «شافعی» نماز جماعت واجب و هر کس بدون عذر آن را ترک کند، گناهکار است و باید تعزیر شود و شهادتش در دادگاه پذیرفته نیست(2).

برای آنکه به اهمیت و فضیلت نماز جماعت از نظر شیعه، بیشتر توجه کنیم، ترجمه چند حدیث از پیشوایان معصوم را در این باره می آوریم:

1 - فضیل و زراره (دو تن از یاران امام صادق - علیه السلام -) می گویند: به امام عرض کردیم: آیا نماز جماعت واجب است؟

حضرت فرمود: «نماز، واجب است ولی بپا داشتن آن با جماعت مستحب می باشد، منتهی اگر کسی بدون عذر و از روی بی اعتنایی و بی رغبتی به نماز و اجتماع مسلمانان، در آن شرکت نکند، نمازش کامل نیست(3).

- 1- منهاج الصالحین، آیه الله خویی - ره - ط ۲۸، قم، مدینه العلم، ۱۴۱۰ هـ. ق، ص ۲۱۰.
- 2- فتاوی هیئت کبار العلماء، مکتبه التراث الاسلامی، القاهره (بی تا)، ص ۲۴۹، وزارة الأوقاف و الشؤون الاسلامیة، الموسوعة الفقہیة، ط ۲، ج ۱۵، ص ۲۸۱.
- 3- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء تراث العربی، ج ۵، باب ۱، ابواب صلاة الجماعة، ح ۲، ۴، ۷، ۹.

جماعت بخواند، به او گمان نیک برید(1).

3 - باز رسول خدا - ص - فرمود: هر کس در جستجوی جماعت به مسجدی برود، برای هر قدم او هفتاد هزار حسنه نوشته می شود و به همان مقدار در پیشگاه خدا) ارتقای رتبه می یابد. و اگر در آن حال بمیرد، خداوند هفتاد هزار فرشته را مأمور می کند که در قبر به دیدار او بروند و به او مژده (بهشت) دهند و در تنهایی همنشین او گردند و تا روز قیامت برای او طلب آمرزش نمایند(2).

4 - امام رضا - ع - فرمود: نماز جماعت تشریح گشته است تا اینکه اخلاص و یکتاپرستی و اسلام بندگان و عبادت آنان برای خدا آشکار و روشن و هویدا گردد؛ زیرا اظهار آن خود حجت و دلیلی از طرف خدای یگانه بر مردم شرق و غرب است. و نیز برای این است که منافق و آن کس که نماز را سبک می شمارد، آنچه را که اقرار نموده ادا کند و پایبندی خود به اسلام و وظایف دینی را به این وسیله آشکار سازد. و همچنین برای این است که مسلمانان بتوانند درباره یکدیگر شهادت بدهند.

از این گذشته اقامه جماعت، کمک به نیکی و تقوا و بازدارنده از بسیاری از گناهان است(3).

1- همان مدرک.

2- همان مدرک.

3- همان مدرک.

شکوه نماز جماعت در حرمین

نماز جماعت، یکی از جلوه گاههای اتحاد و همبستگی مسلمانان و لغو امتیازهای طبقاتی است. این مراسم عبادی - سیاسی بویژه در موسم حج در مسجد الحرام و مسجد النبی - ص - با شکوه و عظمت بیشتری برگزار می گردد؛ زیرا مسلمانان که از سراسر جهان، برای انجام اعمال و مناسک حج به مکه و مدینه روی می آورند، و انگیزه ای جز عبادت نداشته و فراغت کامل برای انجام آن دارند، ساعتها پیش از آغاز نماز جماعت همچون سیلی خروشان به سوی مسجد سرازیر می شوند و با برگزاری این فریضه، شکوه، عظمت، اتفاق، اتحاد و برادری در جهان اسلام را به نمایش می گذارند و بدین وسیله گوشه ای از عظمت و شکوه کنگره بزرگ حج به نمایش درمی آید.

در این مراسم پرشکوه، هر نمازگزار گرچه بیش از قطره ای در دریای بزرگ نیست، اما چون به دریا می پیوندد و موج به وجود می آورد، در خود احساس قدرت می کند.

از سوی دیگر چون در این مراسم باشکوه، پیروان همه فرقه ها و

مذاهب اسلامی شرکت می کنند، بدیهی است که گاهی موارد اختلاف فقهی جزئی پیش می آید؛ چنانکه گروهی از اهل سنت با دست بسته نماز می خوانند و عده ای دیگر همچون مالکیها، بدون بستن دست، نماز می گزارند. یا گروهی - مانند حنفیها - در قنوتها که هنگام بروز مشکل و گرفتاری برای مسلمانان (عند النازلة) خوانده می شود، اگر در نماز مغرب باشد، همراهی نمی کنند، چون قنوت را در این نماز جایز نمی دانند. ولی این اختلاف جزئی موجب عدم شرکت آنان در نمازهای جماعت نمی شود و آنان به وحدت و همبستگی، بیشتر فکر می کنند تا موارد اختلاف!

اهمیت شرکت در نماز جماعت اهل سنت

امام خمینی - ره - بر اساس همین حفظ وحدت و نادیده گرفتن موارد اختلاف جزئی فتوا داده است که:

« در وقتی که در مسجد الحرام یا مسجد النبی نماز جماعت منعقد شد، مؤمنین نباید از آنجا خارج شوند و باید از جماعت تخلف نکنند و با سایر مسلمین به جماعت، نماز بخوانند(1).»

حضرت آیه الله العظمی اراکی - مد ظله العالی - در پاسخ این استفتاء که «آیا نماز خواندن با جماعت اهل تسنن در مسجد الحرام و مسجد النبی - ص - مجزی است یا خیر؟»، فرموده اند: «بلی مجزی است(2).»

1- مناسک حج، قم، ج ۴، پاسدار اسلام، ص ۲۵۷، مسائل متفرقه، مساله ۱.

2- علی افتخاری، آراء المراجع فی الحج، قم، دارالقرآن الکریم، چاپ سوم، ۴۱۲ هـ. ق، ص ۴۱۶.

روایات متعددی در تشویق به شرکت در نماز جماعت اهل سنت از پیشوایان معصوم رسیده است که ظاهراً مبنای فتاوی فقهای شیعه در این باره، همین روایات است و ما به عنوان نمونه، ترجمه چند حدیث را می آوریم:

1 - امام ششم - علیه السلام - فرمود: هر کس با آنان (اهل سنت) در صف اول، نماز جماعت بخواند، همچون کسی است که در صف اول همراه رسول خدا نماز خوانده است(1).

2 - امام صادق - ع - از «اسحاق بن عمار» پرسید: آیا با آنان (اهل سنت) نماز می خوانی؟ عرض کرد: بلی. فرمود: با آنان نماز بگزار زیرا کسی که در صف اول با آنان نماز می گزارد، همچون کسی است که شمشیر به دست گرفته، در راه خدا پیکار می کند(2).

3 - حضرت صادق - ع - یکی از یارانش را که در مورد نماز خواندن با اهل سنت تردید داشت، تشویق به شرکت در نماز آنان کرد و فرمود: تو، به مسجد از آنان سزاوارتری، نخستین کسی باش که وارد مسجد می شود و آخرین کسی باش که از مسجد بیرون می رود، با مردم خوش اخلاق باش و سخن نیک بگو(3).

نظم صفها در نماز جماعت

1- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ابواب صلاة الجماعة، ح ۱، ۶، ۷، ص ۳۸۲ - ۳۸۱.

2- همان مدرک.

3- همان مدرک.

از جمله مستحبات نماز جماعت در فقه شیعه، مستقیم بودن صفها و پر کردن جاهای خالی آن به وسیله نمازگزاران، و شانه به شانه ایستادن آنها است.

پر کردن صفها و خودداری از تشکیل یک صف به تنهایی، چنان اهمیت دارد که به فتوای فقهای شیعه مکروه است که کسی با وجود جای خالی در صفها، به تنهایی یک صف تشکیل بدهد، بلکه بهتر است در یکی از صفهایی که هنوز تکمیل نشده، قرار بگیرد (1). در این زمینه روایاتی نقل شده است که ترجمه دو نمونه از آنها را می آوریم:

1 - پیامبر اسلام - ص - فرمود: «وقتی که به نماز ایستادید، صفوف خود را مستقیم و منظم، و جاهای خالی آن را پر کنید(2)»...

2 - باز آن حضرت فرمود: «مردم! صفوف خود را (در نماز جماعت) منظم کنید و شانه هایتان را به هم بچسبانید تا بین صفها فاصله نباشد(3)»...

از دیدگاه فقه تسنن

این مسأله از نظر فقه اهل تسنن نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است چنانکه مشاهده می شود که در نماز جماعتی مسجد الحرام و مسجد النبی، امام جماعت قبل از تکبیر الاحرام با جملاتی مانند: «سووا

1- سید محمد کاظم یزدی، العروة الوثقی، ص ۲۸۲.

2- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث الاسلامی، ج ۵، ص ۴۷۲ (باب استحباب اقامة الصفوف و اتمامها و المحازاة بین المناكب و تسوية الخلل).

3- همان مدرک.

صفوفکم (1) «یا «استووا (2)» نمازگزاران را دعوت به منظم و مستقیم بودن صفها می کند. فقهای اهل تسنن در این زمینه به روایتی استناد می کنند که از پیامبر اسلام به این مضمون نقل شده است:

« صفوف نماز را منظم کنید زیرا منظم بودن صفها از شروط نماز است(3). »

باید توجه داشت که گرچه اکثر فقهای اهل سنت، روی پر کردن صفها تأکید کرده و ایستادن به تنهایی در یک صف را مکروه دانسته اند، اما در عین حال، نماز چنین شخصی را - جز حنبلیها (4) بقیه فرقه ها - صحیح می دانند(5).

در بعضی از کتب فقهی اهل تسنن در این زمینه آمده است:

اگر کسی در صفوف نماز جماعت جا پیدا نکرد و هیچ جای خالی بین صف ها وجود نداشت، تکبیرة الاحرام را بگوید و خود را به یکی از نمازگزارها بچسباند، و بر آن شخص مستحب است با وی (شخص فاقد جا) موافقت کند(6).

اگر در موسم حج - که مسجدها پر از جمعیت می شود - مشاهده

1- صفهای خود را راست و منظم کنید.

2- مستقیم و منظم بایستید.

3- عبدالقادر الرحباوی، الصلوة علی المذاهب الاربعة، ط ۲، قاهره، دار السلام للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۰۳ هـ - ق. ص ۱۹۳.

4- بهاءالدین عبدالرحمن المقدسی، العدة فی شرح العمدة فی فقه احمد بن حنبل، ص ۹۷.

5- ابن رشد، بداية المجتهد، بیروت، دارالمعرفة، ص ۱۴۹.

6- بهاءالدین المقدسی، همان کتاب، ص ۱۹۳.

می گردد که گاهی شخصی هنگام نماز جماعت، جای خالی نمی یابد و تکبیر می گوید و در کنار یکی از افراد صف جلو قرار می گیرد، بر اساس همین فتواست.

البته همه اینها در صورتی است که نمازگزار مرد باشد، و اگر زن باشد، حکم دیگری دارد که فعلاً مورد بحث ما نیست.

لزوم اتصال در نماز جماعت (اتحاد مکانی)

یکی از شروط صحت نماز جماعت، اتصال بین مأموم و امام و بین صفهای مأمومین است، بطوری که اگر اتصال رعایت نشود، نماز باطل خواهد بود، ولی در جزئیات این مسأله بین فقه شیعه و اهل تسنن اختلافهایی هست که توضیح می دهیم:

نظر فقه شیعه

از نظر فقه شیعه باید مأموم از امام بیش از حد معمول و عادی دور نباشد، و لازم است که فاصله بین محل سجده نمازگزار با صف جلو بیش از مقدار یک قدم متعارف نباشد بلکه احتیاط و بهتر آن است که فاصله بین دو نمازگزار (دو صف) بیش از مقدار «انسانی در حال سجده» نباشد بطوری که هرگاه سجده کردند، سجده گاه نمازگزار صف بعدی، نزدیک جای ایستادن نمازگزار صف جلو، بدون فاصله باشد(1).

نظر فقهی اهل سنت

1- سید محمد کاظم یزدی، العروة الوثقی، ص ۲۷۲.

فقهایی اهل سنت بصورت کلی، امکان آگاهی مأموم از نماز امام را - چه از راه رؤیت وی و چه از راه شنیدن صدایش - شرط صحت اقتداء می دانند مگر آنکه اتحاد مکانی بین امام و مأموم وجود نداشته باشد، ولی اتحاد مکانی را هر کدام به نحوی تفسیر کرده اند که موجب اختلاف فتاوی آنان در این زمینه شده است که ذیلاً فتاوی پیشوایان اهل تسنن توضیح داده می شود:

1- شافعی

اگر امام و مأموم در مسجد نماز بگذارند، محل نماز، یک مکان محسوب می شود و حتی اگر فاصله بین آنان بیش از سیصد ذراع هم باشد، اشکال ندارد (زیرا اتحاد مکانی بین مأموم و امام حفظ شده است) به شرط اینکه حایلی که مانع از امکان دسترسی مأموم به امام، بدون پشت کردن به قبله باشد - مانند در بسته شده - وجود نداشته باشد. بنابراین اگر امام در آخر مسجد، و مأموم در اول مسجد قرار بگیرد نماز وی صحیح است.

اما اگر در خارج مسجد نماز بگذارند، در صورتی که فاصله بین آن دو، بیش از سیصد ذراع تقریبی نباشد، نماز صحیح است اگر چه رود قابل کشتیرانی، یا راه پر رفت و آمد، بین آنها فاصله باشد (مشروط بر اینکه حایلی از نوع آنچه گفته شد در بین نباشد).

ولی اگر یکی در مسجد، و دیگری در خارج باشد - مانند نمازهای مسجد الحرام و مسجد النبی و اطراف آنها - اگر فاصله انتهایی مسجد، با نمازگزار که بیرون مسجد ایستاده بیش از سیصد ذراع نباشد و حایلی - از قبیل آنچه گفته شد - بین آنان نباشد، نماز صحیح و گر نه باطل

است (1).

2- ابو حنیفه

اختلاف مکانی بین مأموم و امام موجب بطلان نماز است. چه از حال امام (قرانت، رکوع، سجود و...) آگاه باشد و چه نباشد. بنابراین اگر کسی در خانه اش که بوسیله راه و امثال آن از مسجد جدا شده است، اقتدا کند نمازش باطل است، چون در دو مکان نماز خوانده اند. اما اگر خانه اش متصل به مسجد باشد بطوری که فاصله ای بین آن دو، جز دیوار نباشد، یا در پشت بام متصل به مسجد اقتدا کند - در صورتی که حال امام بر او پوشیده نباشد - نمازش صحیح است زیرا در این دو صورت، هم اتحاد مکانی محفوظ است و هم حال امام را می داند. همچنین اگر مکان نماز جماعت، واحد اما وسیع باشد مانند مساجد بزرگ، به شرط اینکه از حال امام - از راه رؤیت یا شنیدن صدای او یا رؤیت دیگر اقتدا کنندگان - آگاه باشد و فاصله ای در حد عبور و مرور ماشین یا رودخانه قابل کشتیرانی در بین نباشد، نماز صحیح است.

اما در بیابان یا مساجد بزرگ - مانند مسجد الاقصی - اگر بین مأموم و امام، فاصله ای به اندازه دو صف باشد، نماز باطل است (2).

3- مالک

اختلاف مکانی، موجب بطلان نماز جماعت نمی شود، بنابراین اگر بین مأموم و امام، دیوار، راه و خیابان و رود قابل کشتیرانی فاصله

باشد، نماز صحیح است به شرط اینکه مأموم از حال امام باخبر شود، اگر چه به وسیله مکبر باشد(1).

اختلاف مکانی، موجب بطلان نماز می گردد، مثلاً اگر بین امام و مأموم رود قابل کشتیرانی عبور کند، نماز مأموم باطل می شود.

اگر امام و مأموم هر دو در مسجد باشند، در صورتی که تکبیرة الاحرام امام را بشنود، اقتدا صحیح است اگر چه بین آن دو، حایلی باشد. و چنانکه امام در مسجد، و مأموم در خارج آن باشد، اقتدا صحیح است به شرط اینکه مأموم، خود امام یا کسی را که پشت سر اوست، ببیند، اگر چه در بعضی از حالات نماز یا از میان نرده و میله و امثال اینها بوده و فاصله بین آنان بیش از سیصد ذراع باشد(2).

با توجه به آنچه از فتاوی فقهای اهل سنت گفته شد، روشن می گردد که در نماز جماعتی مسجد الحرام و مسجد النبی که گاهی صفوف نمازگزاران تا بیرون مسجد و خیابانهای اطراف کشیده می شود، در برخی از حالات نماز مأمومین باطل است. مثلاً بر اساس فتوای «ابوحنیفه» اگر بین برخی از صفهای بیرون مسجد، با امام یا صفهای متصل به امام، راه یا خیابان فاصله باشد، نماز صفهای بریده از امام یا از صفهای قبلی، باطل خواهد بود.

در هر حال عمل عوام که غالباً از احکام و مسائل دینی آگاهی لازم را ندارند، نمی تواند ملاک باشد، و باید فتاوی فقهای مبنای عمل و مورد توجه قرار گیرد. از این نظر است که امام خمینی - ره - در پاسخ این استفتاء که: «اگر انجام نماز به کیفیتی باشد که معلوم نیست موافق نظر اهل

1- همان کتاب.

2- همان کتاب.

سنت باشد، مانند سجده بر پشت نمازگزاران صف جلو، عدم رعایت اتصال و... آیا نماز در این گونه موارد باید اعاده شود؟»

فرموده اند: اعاده دارد(1).

مأموم نباید جلوتر از امام بایستد

یکی از شروط صحت اقتدا، این است که مأموم نباید در نماز جماعت جلوتر از امام بایستد وگرنه نمازش باطل خواهد بود. اما اگر مساوی با امام بایستد، به فتوای برخی از فقهای شیعه نمازش صحیح است(2).

« امام خمینی» - ره - در این زمینه چنین فتوا داده است: «از شروط صحت نماز جماعت، یکی این است که مأموم جلوتر از امام نایستد و احوط این است که حداقل اندکی عقب تر بایستد. اما اگر با امام مساوی ایستاد ولی به علت طول قد، در رکوع و سجود، از امام جلوتر قرار گرفت، اشکال ندارد، اگر چه احوط این است که طوری بایستد که در تمام حالات نماز، از امام جلوتر قرار نگیرد، بخصوص موقع نشستن، زانوی او از زانوی امام جلوتر نباشد(3).

فقهای اهل سنت نیز جلوتر ایستادن مأموم را موجب بطلان نماز می دانند، تنها «مالک» (پیشوای فرقه مالکی) آن را مکروه می داند و می گوید: اگر همه مأمومین جلوتر از امام بایستند، باز نماز آنان اشکال

1- مناسک حج، مسائل متفرقه، ص ۲۶۱.

2- السيد محمد کاظم اليزدي، العروة الوثقى، ص ۲۷۲.

3- تحرير الوسیله، ج ۱، ص ۲۴۴.

ندارد(1).

در موسم حج گاهی مشاهده می شود که گروهی از مأمومین طوری صف می بندند که از امام جلوتر قرار می گیرند. طبعاً همه آنها پیرو «مالک» نیستند که تقدم امام را لازم نمی داند، بلکه بسیاری از آنان به این حکم فقهی (که هم در میان شیعیان و هم در میان اهل تسنن مسلم است) توجه ندارند.

نماز جماعت استداره ای پیرامون کعبه

در رابطه با مسأله لزوم تقدم امام بر مأموم، مسأله نماز استداره ای در اطراف کعبه در کتب فقهی مطرح شده است. مقصود از نماز استداره ای این است که امام جماعت در مسجد الحرام، در یک طرف کعبه به نماز بایستد، و مأمومین از چهار طرف (به صورت دایره ای) به او اقتدا کنند. این گونه نماز که در زمان ما به ویژه در موسم حج برگزار می گردد، از نظر فقهای شیعه و سنی، هر دو مورد اختلاف است: آن دسته از فقهای اهل تسنن که تقدم مأموم بر امام را جایز ندانسته اند، نماز استداره ای در اطراف کعبه را استثناً صحیح دانسته اند. تنها فقهای شافعی می گویند: اگر مأموم در همان طرف که امام ایستاده، جلوتر از او بایستد، نمازش باطل است، ولی اگر در طرفهای دیگر (مانند روبرو) قرار بگیرد، نمازش صحیح است. ولی اگر (به خاطر ضرورت، مانند تنگی مسجد)

1- عبدالرحمن الجزيري، الفقه علي المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۱۴۴؛ عبدالقادر الرحباوي، الصلوة علي المذاهب الاربعه، ص ۱۹۱.

ناگزیر نباشد، مکروه است(1).

نماز استداره ای از دیدگاه فقه شیعه

مرحوم «سید محمد کاظم یزدی - ره» نماز استداره ای را صحیح می داند، (2) و امام خمینی - ره - در پاسخ به این استفتاء که: «کسی که نماز را در مسجد الحرام به نحو استداره ای خوانده است، بطوری که رو در روی امام جماعت و یا طرفین او ایستاده بوده است، آیا این نماز احتیاج به اعاده دارد؟» نوشته اند:

« با وضع فعلی نیاز به اعاده ندارد (3). » ولی فقهای معاصر نوعاً در صحت نماز استداره ای اشکال می کنند (4). اساس فتاوی مراجع معظم احتیاط کند، باید در همان طرفی که امام جماعت در آن سمت نماز می خواند، نماز بخواند.

- 1- عبدالرحمن الجزيري، الفقه علي المذاهب الاربعه، ج ١، ص ٤١٤.
- 2- سيد محمد كاظم يزدي - ره - ، العروة الوثقي، ص ٢١٤.
- 3- امام خميني - ره - ، مناسك حج، مسائل متفرقه، ص ٢٦٠.
- 4- علي افتخاري گلپايگاني، آراء المراجع في الحج، ج ٣، ١٤١٢ هـ. ق، ص ٤١٤.

سجده بر پشت نمازگزار!؟

يکي از شروط سجده اين است که «محل سجده» (جايي که پيشاني نمازگزار روي زمين قرار مي گيرد) از محل قرار گرفتن زانو بلندتر يا پست تر نباشد ولي مقدار بلندي يا پستي که موجب باطل شدن نماز است از نظر فقها مورد اختلاف است. فقهاي شيعه گفته اند: بايد مقدار بلندي يا پستي آن بيش از ضخامت يک خشت يا بيش از مقدار چهار انگشت بسته نباشد(1).

از ميان فقهاي اهل سنت، فرقه «حنفيه» گفته اند: آن مقدار بلندي سجده گاه که موجب باطل شدن نماز است، در صورتی است که بيش از نصف «ذراع» باشد. و بيش از اين در صورتی صحيح است که زيادي و ازدحام جمعيت موجب گردد نمازگزار در جماعت بر پشت نمازگزار ديگري سجده کند، که اين سجده با سه شرط صحيح است:

- 1- امام خميني - ره - ، تحرير الوسيلة، مؤسسة النشر الإسلامي (التابعة) لجماعة المدرسين - قم، ج ١، ص ١٥٧.

الف : نمازگزار جاي خالي روي زمين براي سجده نيابد.

ب : هر دو نمازگزار در يک نماز باشند.

ج : زانوهايش روي زمين باشد و اگر زانوها روي زمين نباشد نمازش باطل خواهد بود(1).

ريشه تاريخي حکم فوق

در زمان خلافت خليفه دوم در اثر مهاجرت مسلمانان به مدينه و کثرت جمعيت آن شهر، مسجد النبي - ص - گنجایش همه نمازگزاران را نداشت، لذا بعدها خليفه مجبور گشت که آن را توسعه دهد. «سيار بن معرور» مي گوید: روزي عمرين خطاب براي ما خطبه خواند و ضمن آن گفت: اي مردم! اين مسجد را پيامبر بنا فرموده است و همه انصار و مهاجران در ساختن آن همراهي کرده ايم، در اين مسجد نماز بگزاريد و اگر جايي براي سجده نيافتيد، بر پشت برادران مسلمان خود سجده کنيد(2).

سجده بر پشت نمازگزار به شکلي که گفته شد، از نظر فقه شيعه، نه تنها از نظر ارتفاع محل سجده از محل زانو باطل است، بلکه اگر - فرضاً - اين مقدار مرتفع هم نباشد از اين نظر باطل است که سجده تنها بر زمين (مانند خاک، سنگ و...) و نباتات (غير ماکول و ملبوس) صحيح است و

1- عبدالرحمن الجزيري، الفقه علي مذاهب الأربعة، ج 1، ص 233.

2- ابوبکر احمد بن حسین بیهقی، دلایل النبوة، ترجمه مهدوی دامغانی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ج 2، ص 191.

43

بر انواع ملبوس و ماکول انسان و نیز بر معادن صحیح نیست(1).

عبور از مقابل نمازگزار از جمله مسائلی که در محیط زیارتی مکه و مدینه مشهود بوده و جلب توجه می کند، این است که اگر کسی از مقابل نمازگزار بگذرد، مورد اعتراض او، یا دیگران قرار می گیرد. لذا افرادی که متوجه این معنا هستند، اگر در مسیر حرکت خود متوجه نمازگزار بشوند، از چند قدم جلوتر از او و یا اگر در صف نماز جماعت باشد از صف جلوتر عبور می کنند، یا اینکه صبر می کنند تا نماز تمام شود و بعد حرکت کنند. البته شک نیست که خودداری از عبور از مقابل نمازگزار بسیار پسندیده و مطلوب است و رعایت ادب نسبت به نماز محسوب می شود، چنانکه در روایات ما نیز وارد شده است(2).

1- امام خمینی - ره - ، تحریر الوسیله، ج 1، ص 135.

2- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج 2، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ج 2، باب 11، ح 10، ص 436.

44

ولی برخی از مسلمانان و حجاج، پا را از این فراتر نهاده در مواردی عبور از مقابل نمازگزار را حرام، حتی نماز او را نیز باطل می دانند! این فتوا در میان اهل سنت از صدر اسلام تا کنون وجود داشته و گاهی موافقت و مخالفت با آن به زد و خورد منجر شده و به دادرسی نزد والی و حاکم می رسیده است. نظر به اهمیت این موضوع و برای روشن شدن حجاج بیت الله الحرام، باید به سراغ احادیث و فتاوی اهل سنت و روایات شیعه برویم تا از کیفیت و چگونگی آن به خوبی با خبر شویم: نخست باید توجه داشته باشیم که به اعتقاد شیعه و سنی مستحب است نمازگزار در مقابل خود (بعد از محل سجده) چیزی قرار دهد (مثل عصا) تا حجابی باشد میان او و کسی که از مقابلش عبور می کند(1). کتابهای هر دو مذهب روایتی از پیامبر اکرم - ص - به این مضمون نقل شده است که: پیامبر هنگام نماز «عصا» یا چیزی نظیر آن را بین خود و قبله قرار می داد، تا فاصله باشد میان او و کسی که از مقابلش می گذرد. ولی اهل تسنن به دنبال این حکم گفته اند: «اگر کسی چنین حایلی بین خود و قبله قرار دهد، در صورتی که از

1- مسلم، صحیح مسلم، تحقیق دکتر هاشم و دکتر لاشین، ط 1، بیروت، مؤسسه عزالدین، 1407، ج 1، ص 450، باب سترة المصلی، آیه الله خویی - ره - منهاج الصالحین، ج 28، قم، نشر مدینه العلم، ج 1، ص 150، مسأله 68 (ترجمه عبارت منهاج): «اگر نمازگزار در معرض عبور شخصی از مقابل خود باشد مستحب است که حایلی بین خود و او قرار دهد، اگر چه به وسیله عصا یا طناب یا مقداری خاک باشد.»

45

مقابلش بگذرد تا جایی که می تواند باید مانع از عبور او شود، و اگر عابر در رفتن اصرار کرد، با او بجنگد، زیرا او شیطان است(1). «از جمله عبور زن نماز را باطل می دانند(2). از آنجا که آنان این حکم را بسیار جدی می گرفتند، در گذشته زد و خوردهایی میان نمازگزاران و عابران در مسجدالحرام و مسجدالنبی - ص - به وجود می آمده، و گاهی ماجرا حتی تا محکمه و دارالاماره کشیده می شده است، چنانکه نمونه ای از آنها را شخصی به نام «صالح بن سمان» نقل می کند. وی می گوید: «یک روز جمعه من همراه «ابو سعید» بودم، او نماز می خواند و چیزی در مقابل خود گذاشته بود که میان او و مردم حایل

و مانع باشد، که ناگهان جوانی (از قبیله ابی معیط) آمد، و خواست از برابر «ابو سعید» بگذرد، «ابو سعید» به گلوئی او زد تا برگردد، مرد جوان نگاه کرد و دید هیچ راهی جز عبور از پیش روی «ابو سعید» ندارد، دوباره برگشت «ابو سعید» این بار شدیدتر از دفعه گذشته بر سینه او کوفت، جوان به «ابو سعید» بدگفت، و سپس جمعیت را شکافت و از مسجد خارج شد و نزد «مروان» (حاکم مدینه) رفت و از آنچه بر سرش آمده بود به مروان شکایت کرد، ابو سعید نیز نزد مروان رفت. «مروان» به وی گفت: با برادر زاده ات (برادر ایمانی) چه کرده ای که از تو شکایت می کند؟ «ابو سعید»

1- مسلم، صحیح مسلم، ط ۱، بیروت، مؤسسه عزالدین، ج ۱، ص ۴۵۵، باب منع المار بین یدی المصلی 2.
- عثیمین، دروس و فتاوی، ط ۲، مکتبه اولی النهی، ریاض، دارالخضر، بیروت، 1411 هـ. ق، ص ۱۰۹.

46

در پاسخ این حدیث را خواند: «از پیامبر شنیدم که گفت: هرگاه یکی از شما نماز می خواند و چیزی به عنوان مانع بین خود و مردم قرار داده و کسی خواست بین او و حایل حرکت کند، به گردنش بزند، و اگر خودداری کرد با او بجنگد زیرا او شیطان است (1)» البته با وجود این روایت اکثر فقهای اهل سنت فتوا داده اند که عبور از مقابل نمازگزار و حایل، یا از بین نمازگزار و محل سجده، نماز را باطل نمی کند؛ زیرا روایت دیگری نقل شده حاکی از آن که پیامبر اسلام این کار را دیده و نهی فرمودند (2). دلیل بر جواز دانسته اند. ولی با این حال برخی از آنان در جلوگیری از عبور افراد از مقابل نمازگزار سخت اصرار میورزند و برخی از فقهای فعلی عربستان فتوا داده اند که عبور زن از مقابل نمازگزاری که حایل در مقابل خود قرار نداده، یا عبور وی از بین نمازگزار و محل سجده او، موجب بطلان نماز می شود، و باید نمازگزار نماز خود را اعاده کند، اگر چه در رکعت آخر نماز خود باشد، این حکم را در مسجد الحرام نیز نافذ می دانند (3).

1- مسلم، صحیح مسلم، تحقیق دکتر هاشم و دکتر لاشین، بیروت، مؤسسه عزالدین، ۱۴۰۷ هـ. ق، ج ۱ ص ۴۵۵. 2- ابن رشد قرطبی، بدایة المجتهد، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۸۰. 3- محمد بن صالح عثیمین، دروس و فتاوی فی الحرم المکی، ط ۲، ریاض، بیروت، مکتبه اولی النهی و دارالخضر، ۱۴۱۱ هـ. ق، ص ۱۱۰ - ۱۰۹.

47

عبور از مقابل نمازگزار از دیدگاه شیعه آنچه از فتاوا و عمل اهل تسنن در مورد عدم جواز عبور از مقابل نمازگزار استفاده می شود، این است که آنان از این نهی چنین استفاده کرده اند که: با گذشتن شخص یا حیوانی از مقابل نمازگزار، نماز او قطع و ارتباطش با خدا بریده می شود! گویی اینان ارتباط نمازگزار (بوسیله نماز) با خدا را، یک ارتباط مادی (مانند ارتباط تلفنی) پنداشته اند در صورتی که چنین نیست، چرا که ارتباط نمازگزار با خدا، ارتباطی معنوی است، و با عبور کسی قطع نمی شود. از بررسی روایات شیعه، چنین برمی آید که امامان معصوم - علیهم السلام - با این فکر ابتدایی مخالف بوده اند. گواه این معنا این است که بعد از عصر رسول خدا - ص - تا عصر امام حسن عسکری - ع - از امامان شیعه در رد این فکر، روایاتی نقل شده است، و این نشان می دهد که این فکر در دوران (۲۵۰ ساله) امامت آنان وجود داشته است، همچنان که اکنون نیز وجود دارد. و ما برای نمونه، سه روایت را که در سه مقطع: آغاز، میانه و پایان این تاریخ 250 ساله نقل گردیده، یادآوری می نمایم 1: - امام چهارم می فرماید: «پدرم نماز می خواند، شخصی از مقابلش گذشت، یکی از همراهان پدرم او را از این کار بازداشت، چون امام از نماز فارغ گشت، فرمود: چرا مانع از عبور او شدی؟ پاسخ داد: به علت این که میان تو و محراب نماز فاصله انداخت، امام فرمود: «وای بر تو، خداوند به من نزدیک تر از این است که کسی بتواند با عبور خود بین من و او جدایی بیندازد (1)».

1- شیخ حر عاملی - ره - وسائل الشیعة، ج ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۴۳۶، ح ۴.

48

از اعتراض آن شخص و توضیح امام - ع - روشن می شود که این فکر از بعد از وفات پیامبر - ص - و جود داشته است 2- روزی ابوحنیفه بر امام صادق - ع - وارد شده و به آن حضرت گفت: فرزندت موسی (امام هفتم) را دیدم که نماز می خواند، مردم از مقابلش می گذشتند ولی او آنان را باز نمی داشت، می دانی چنین کاری یعنی چه؟! (نماز باطل می شود). (امام صادق - ع - فرمود: موسی را بخوانید. او را خواستند. امام - ع - فرمود: فرزندم! ابوحنیفه می گوید: تو در حالی که مشغول نماز بودی مردم از برابرت عبور می کردند و تو از رفت و آمد آنان جلوگیری نمی کردی؟ موسی - ع - : آری ای پدر! کسی که برای او نماز می گزارم به من نزدیکتر است از آنان که از مقابل من می گذرند. خداوند فرموده است: «ما به انسان از رگ گردنش نزدیکتریم» (1). «چون داستان به اینجا رسید» امام صادق - ع - فرزندش را در آغوش گرفت و فرمود: پدر و مادرم فدای تو ای گنجینه رازها 3(2). «ابو سلیمان» (یکی از یاران امام یازدهم) می گوید: در محفلی که من نیز حضور داشتم یاران حضرت امام حسن عسکری - ع - از او پرسیدند: آیا چیزی نماز را قطع می کند؟ (عبور اشخاص از مقابل نمازگزار موجب قطع نماز می شود؟) حضرت فرمود: نه، چنین نیست که

1- نحن اقرب الیه من حبل الوریث، سوره ق: آیه ۱۶ 2- . شیخ حر عاملی - ره - وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۴۳۶، ح ۱۱ .

نماز از مقابل نمازگزار عبور کند، بلکه نماز از آن سمت و جهتی می گذرد که نمازگزار بدان رو نموده است (1) به جهت و سمت خدا است و از مقابل او نمی گذرد که اگر کسی از آنجا گذشت قطع گردد. (نکته قابل توجه این است که: جمله ای که در رد این فکر و بی پایه بودن آن آمده است از امامان متعدد، در اعصار مختلف، از روایان متعدد، در قالب یک جمله نقل شده است، و آن، جمله زیر است: «الذی اصلي له اقرب الي من الذی مر فداً» (2). «آن کس که برای او نماز می گزارم به من نزدیکتر از کسی است که از مقابل من می گذرد.» و این حاکی از این است که امامان در مقابل آن اندیشه ابتدایی که فقهای عامه مطرح می کردند، موضع واحدی اتخاذ نموده اند، تا این فکر را از جامعه مسلمان بزدایند. آری در برخی از روایات ما نیز وارد شده که خوب و نیکو است که نمازگزار حایل و مانع بین خود و عابرین قرار دهد، و شایسته است که مانع از عبور از مقابل نماز شود، و فقهای شیعه هم به این معنا فتوا داده اند، ولی روایات این را نوعی ادب و احترام برای نماز معرفی

1- شیخ حر عاملی - ره - وسائل الشیعة، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ج ۲، ص ۴۳۴، ح ۵ 2- . همان مدرک. جمله فوق در احادیث: ۳، ۵، ۶، ۱۰، ۱۱، به همان تعبیر یا با اندک تفاوتی ذکر شده است. شیخ حر عاملی - ره - وسائل الشیعة، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ج ۲، ص ۴۳۴، ح ۵.

کرده اند، (1) آنچه در کتب حدیث اهل سنت نقل شده که پیامبر اسلام هنگام نماز در مقابل خود حایل و مانعی (ولو عصا) قرار می داد، در روایات شیعه هم آمده که پیامبر چنین کاری انجام می داد، ولی علت و حکمت آن قطع ارتباط نمازگزار با خدا نیست، بلکه از باب ادب و احترام به نماز است. یا توجه به آنچه در این باب گفته شد، به حجاج محترم ایرانی بویژه بانوان توصیه می شود که در مسجد الحرام و مسجد النبی و اصولاً هر جایگاه نماز، از مقابل نمازگزاران، تا پایان نماز عبور نکنند.

1- مدرک فوق، ص ۴۳۶، ح ۱۰ «ولکن ذلک ادب الصلاة و توقیرها» .»

آیا

«بسم الله الرحمن الرحيم»

را در نماز باید بلند خواند یا آهسته؟

در نماز جماعتی که در مکه و مدینه برپا می شود صدای «بسم الله الرحمن الرحيم» (امام جماعت از بلندگوهای مسجدالحرام و مسجدالنبی و مساجد دیگر به گوش نمی رسد! گاهی برخی از حجاج می پرسند: چرا «بسم الله...» را نمی خوانند؟!)

آیا «بسم الله...» جزء سوره است یا نه؟

باید توجه داشت که این موضوع نیز برخاسته از یک نظریه فقهی است و آن این است که: آیا «بسم الله الرحمن الرحيم» یکی از آیات سوره حمد است یا نه؟ و به صورت کلی آیا «بسم الله...» یکی از آیات هر سوره قرآن است یا نه؟

در نتیجه، هر کس معتقد است «بسم الله...» از آیات سوره حمد

52

است، قرائت آن را در نماز واجب می داند. همچنین کسی که آن را آیه ای از هر سوره می داند، طبعاً - چه در حمد و چه در غیر حمد - فتوا به وجوب قرائت آن می دهد (1).

براساس این مطلب، فقهای فرقه مالکیه، چون «بسم الله...» را جزء سوره نمی دانند، فتوا داده اند که نه در نمازهای «جهریه» (نمازهایی که باید بلند خوانده شود) خوانده می شود و نه در «اخفاتیه» (نمازهایی که باید آهسته خوانده شود) (2). (شافعیه «اتفاق نظر دارند که» بسم الله» جزء همه سوره های قرآن است و باید خوانده شود (3)).

اما فقهای شیعه، براساس روایات امامان معصوم، «(4) بسم الله...» جزء همه سوره های قرآن - جز سوره براءت - است (5). فتوا داده اند که اگر کسی «حمد» یا سوره بعد از «حمد» را بدون «بسم الله...» بخواند، حمد و سوره کامل نخوانده است، و این مطلبی است که هم فقهای گذشته شیعه آن را مطرح کرده اند، (6) معاصر.

1- ابن رشد قرطبی، بدایة المجتهد، بیروت، دارلمعرفة، ج ۱، ص ۱۲۵.

2- همان مأخذ.

3- فخر رازی، تفسیر مفاتیح الغیب، بیروت، ط ۳، داراحیاء التراث العربی، ج ۱، ص ۲۰۵.

4- مجلسی، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه وفاء، ج ۸۲، ص ۷۵ - ۷۴. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ج ۴، ص ۷۴۵.

5- سید کاظم یزدی، عروة الوثقی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ص ۲۲۰، مسئله ۹.

6- سید مرتضی، شرح الجمل العلم و العمل، تصحیح مدیر شانه چی، چاپ دانشگاه مشهد، ص.

53

« امام خمینی «- رضوان الله علیه - در» تحریر الوسیله «چنین فتوا داده است: «بسم الله...» جزء هر یک از سوره های قرآن است، - جز سوره براءت - (1)

فتاوی فقها در باره بلند خواندن بسم الله...

آنچه گفته شد در باره اصل جزء بودن «بسم الله...» در حمد و سوره های دیگر قرآن است، اما در مورد بلند یا آهسته خواندن آن در نماز، «ابوحنیفه» و «احمد حنبل» فتوا داده اند که: باید در هر نمازی آهسته خوانده شود» (2). شافعی «معتقد است باید در نمازهای» جهریه «با صدای بلند، و در نمازهای» اخفاتیه «آهسته خوانده شود» (3).

اما فقهای شیعه فتوا داده اند که: بلند خواندن «بسم الله» در نمازهای «جهریه» واجب، و در نمازهای «اخفاتیه» مستحب است (4).

اهمیت بلند خواندن بسم الله...

مسئله بلند خواند «بسم الله» در نماز، از نظر فقه شیعه نه تنها یک مسئله فقهی است، بلکه از روایات پیشوایان معصوم استفاده می شود که چون حکومتهای وقت، نوعاً از آهسته خواندن «بسم الله...» جانبداری

1- تحریر الوسیله، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۴۹.

2- ابن رشد، بدایة المجتهد، بیروت، دارالمعرفة، ج ۹، ص ۱۲۵.

3- همان مأخذ.

4- سیدکاظم یزدی، عروة الوثقی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ص ۲۲۱، مسئله ۲۱.

می کردند، امامان بشدت با آن مخالفت میورزیدند، و بقدری در این زمینه پافشاری می کردند که مسئله، کم رنگ «سیاسی» به خود گرفت چنانکه نقل شده است که: روزی علی - علیه السلام - در حضور جمعی از اهل بیت و یاران خاص خود خطبه ای خواند، و ضمن آن، پس از برشمردن تحریفها و دگرگونیهای که زمامداران پیشین - دانسته و آگاهانه - در احکام اسلام به وجود آورده بودند، اظهار نگرانی کرد که: اگر من بخواهم امت اسلامی را به زمان رسول خدا برگردانم و آنان را وادار به اجرای صورت درست این احکام کنم، سپاهیان من از اطرافم پراکنده می شوند، و جز تعداد اندکی از شیعیان و کسانی که موقعیت و فضیلت مرا می شناسند، و امامتم را قبول دارند، کسی با من نمی ماند. امام در این خطبه یکی از احکام تحریف شده را بلند خواندن «بسم الله...» معرفی کرد (1).

این بیان امام نشان می دهد که بلند خواندن «بسم الله» «...بر اثر فشار زمامداران قبلی، چنان به دست فراموشی سپرده شده بوده که عامه مردم حاضر نبودند آن راحتی از شخصیت والایی چون علی - علیه السلام - بپذیرند!

این مسئله به قدری اهمیت داشت که از طرف امامان معصوم بعد از علی - ع - هم مورد تأکید واقع شده است، چنانکه «امام رضا» - علیه السلام - آن را به مأمون عباسی توصیه نموده، می فرماید: جهر

1- کلینی، الروضة من الکافی، ط ۲، تهران، ۱۳۸۹ هـ. ق، دارالکتب الاسلامیة، ص ۶۳ - ۵۸.

«بسم الله...» در همه نمازها سنت است (1).

« امام عسکری «ع - نیز آن را یکی از نشانه های پنجگانه مؤمن شمرده است(2).

سیر تاریخی مسأله

بررسی سیر تاریخی این مسأله نشان می دهد که زمامداران وقت، اصرار زیاد داشتند که بر خلاف تأکید فراوان پیشوایان اهل بیت، آهسته خواندن «بسم الله...» را به هر قیمتی که هست تثبیت کنند، از این نظر، گاهی پیشوایان معصوم، از روی تقیه آهسته می خواندند و پیروان خود را نیز به آن دعوت می کردند بطوری که مرحوم «شیخ حرّ عاملی» در کتاب «وسائل الشیعه» بابتی تحت عنوان «جایز بودن ترک بسم الله...» جایز بودن آهسته خواندن آن از روی تقیه «باز کرده است، (3) نشان می دهد که فشار و اصرار از طرف حکومتها و وقت، به قدری شدید بوده که امامان، تقیه را تجویز نموده اند.

این بحث را با نقل سخنی از «فخر رازی» یکی از بزرگترین مفسران اهل سنت به پایان می بریم، وی در این زمینه بحث گسترده ای دارد و اقوال و فتاوی اهل سنت را نقد و بررسی می کند و از نظریه جزء بودن «بسم الله...» و بلند خواندن آن در نماز جانبداری می کند و می گوید:

1- شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ج ۴، ح ۶، ص ۷۵۸.

2- شیخ حرّ عاملی، همان کتاب، ج ۵، باب ۵۶ (المزار و ما یناسبه)، ح ۱، ص ۳۷۳.

3- وسائل الشیعه، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ج ۴، ص ۷۴۷، باب ۱۲.

56

مذهب فقهی «علی» - علیه السلام - بلند خواندن بسم الله در تمام نمازهای، «اخفاتیه» و «جهریه» بوده و در تمام عمر به این مذهب و روش ثابت مانده است. حقایق مذهب فقهی علی - ع - در ذهن قوی و در اندیشه و عقلم استوار و پایدار است، و هرگز به وسیله گفتار مخالفان او، زایل نمی گردد، و اگر در هر چیزی تردید کنیم، در این مطلب شکی نداریم که اگر در انتخاب سخنان بعضی از فقها یا سخنان علی تعارض واقع شود، ترجیح با سخنان علی - ع - است.

بدین سان فخر رازی با گزینش و برتری دادن نظریه فقهی علی - ع - در این مسأله، فتاوی فقهایی آن عصر را رد می کند، و در مورد ریشه تاریخی و سیاسی آهسته خواندن «بسم الله...» چنین اضافه می کند:

اینکه حکومت بنی امیه در جلوگیری از بلند خواندن «بسم الله...» مبالغه و زیاده روی می کردند، تلاشی در جهت نابودسازی آثار علی - علیه السلام - بوده است!

فخر رازی آنگاه می نویسد: «شافعی» نقل کرده است که سالی معاویه به مدینه آمد و با مردم نماز جماعت گزارد اما «بسم الله...» نگفت، و هنگام رکوع و سجود «الله اکبر» نگفت، وقتی سلام آخر را گفت، مهاجران و انصار گفتند: ای معاویه! از نماز ما دزدیدی! «بسم الله...» کجا رفت؟! تکبیر هنگام سجده چه شد؟! معاویه ناگزیر نماز را مجدداً با «بسم الله...» و تکبیر خواند. به گفته «شافعی» چون معاویه خلیفه ای نیرومند بوده است، اگر بلند خواندن «بسم الله...» از نظر صحابه - مهاجران و انصار - مسلم و قطعی نبود، توان اظهار و اعتراض به معاویه را

57

نداشتند(1).

آمین

فقهای اهل سنت فتوا داده اند که آمین گفتن بعد از قرائت حمد، برای کسی که نماز را فرادی می خواند، هم در نماز جهریه و هم در نماز اخفاتیه مستحب است. و نیز در نماز جماعت، برای مأموم و امام در نماز اخفاتیه، و برای مأموم در نماز جهریه مستحب می باشد(1).

در هر حال فقهای مذاهب چهارگانه اتفاق دارند بر این که اگر مأموم در نماز جماعت، قرائت امام را بشنود، مستحب است بعد از اتمام قرائت آمین بگوید(2).

اما این که آمین را باید آهسته گفت یا بلند، همه فقهای اهل سنت فتوا داده اند که در نمازهای اخفاتیه (ظهر و عصر) باید آهسته گفته شود(3).

1- الموسوعة الفقهية، وزارة الأوقاف و الشؤون الإسلامية، الكويت، جزء اول ص ۱۱۱.

2- همان مدرک، ص ۱۱۲.

3- همان مدرک.

صدای آمین به گوش نمی رسد).

ولی در نمازهای جهریه (مغرب، عشاء و صبح) به فتوای فقهای مذهب «شافعیه» و «حنبلیه» مستحب است با صدای بلند گفته شود(1).

از آنجا که امام جماعتیهای مساجد کشور عربستان نوعاً پیرو مذهب حنبلی هستند، بر اساس این فتوا آمین را با صدای بلند می گویند، مأمومین نیز از آنان تبعیت می کنند.

* * *

از نظر فقه شیعه، گفتن «آمین» پس از قرائت «حمد» حرام و موجب بطلان نماز است زیرا این کلمه خارج از کلمات نماز، و از کلام بشر است. در این مسأله فرقی بین نماز فرادی و نیز بین امام و مأموم نیست(2).

بنا بر این شیعیان نباید این کلمه را - هر چند در نماز جماعت - بگویند. و از این نظر نباید نگرانی داشته باشند، زیرا - چنانکه گفتیم - فقهای اهل سنت گفتن این کلمه را مستحب می دانند بنابر این ترک آن، از نظر این فقهای اشکال است.

1- همان مدرک، ص ۱۱۳. و دروس و فتاوی فی الحرم المکی، محمد بن صالح عثیمین، ط دوم، ریاض، بیروت، ۱۴۱۱ ه. ق. ص ۱۰۸ (السنة الجهر بالتأمين علي الفاتحة).

2- شیخ محمد جواد مغنیه، الفقه علی المذاهب الخمسة، ص ۱۱۰، سید کاظم یزدی، العروة الوثقی (مبطلات نماز)، ص ۲۵۰، مسأله ۱۰.

قنوت

« قنوت «در لغت به معنای» طاعت «است و در اصطلاح فقها عبارت است از» دعا «در اثنای نمازهای یومیة بعد از قرائت و قبل از رکوع رکعت دوم.

فقهایی شیعه بر اساس روایات منقول از امامان معصوم - علیهم السلام - فتوا داده اند که قنوت در همه نمازهای واجب، مستحب است(1) صحیح است، و همچنین اگر کسی در نمازهای جماعت مکه و مدینه شرکت کرد و قنوت خوانده نشد، اشکالی ندارد، زیرا فقط یک مستحب ترک شده است.

قنوت از نظر اهل سنت

1- امام خمینی - ره - ، تحریر الوسیله، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ج ۱، ص ۱۶۵؛ بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۸.

هیچ کدام از فقهایی اهل سنت، قنوت را واجب ندانسته اند، اما در مورد جایز و مستحب بودن آن، اختلاف نظر شدید و فتاوی گوناگون دارند،(1) فتاوی آنان را در سه مورد خلاصه می کنیم:

1 - قنوت در نماز صبح: «ابو حنیفه» قنوت را نه تنها در نماز صبح بلکه در هیچ یک از نمازها - جز نماز وتر - جایز نمی داند. فرقه «مالکی» و «شافعی» آن را در نماز صبح مستحب می دانند(2) قنوت از نظر «شافعی» استحباب مؤکد است، بطوری که - طبق فتاوی وی - اگر چه ترک قنوت، نماز را باطل نمی کند، اما برای ترک آن، چه سهواً و چه عمداً، باید سجده سهو بجا آورد(3) نماز صبح قنوت می گیرند، بر اساس این فتاوی فقهی است.

2 - در هیچ یک از نمازهای یومیة، چه بلایی نازل شده باشد و چه نشده باشد، قنوت جایز نیست(4).

3 - قنوت عندالنازله: فتاوی مشهور از شافعی، این است که: در صورت نزول بلا یا بروز هر مشکلی برای مسلمانان، قنوت در غیر نماز صبح جایز است(5) موقع نزول بلا، فقط در نماز صبح جایز است(6)

1- ابن رشد قرطبی، بدایة المجتهد، بیروت، دارالوفاء، ص ۱۳۲ - ۱۳۳.

2- همان.

3- نووی، الاذکار، بیروت، دارالوفاء، ص ۵۷.

4- شوکانی، نیل الاوطار، بیروت، دارالتراث، ص ۳۴۵.

5- نووی، مدرک سابق، ص ۵۷.

دسته ای دیگر از فقها گفته اند: قنوت هنگام نزول بلا، در همه نمازها جایز است و اختصاص به نماز معینی ندارد(1).

این فتوا از این نظر به قنوت «عندالنازله» معروف شده است که طبق نقل مورخان، پیامبر اسلام - ص - گروهی از مسلمانان را برای دعوت قبیله «بنی سلیم» به اسلام، نزد آنان فرستاد، ولی آنان مبلغان اسلام را ناجوانمردانه کشتند(2) صبح، ظهر، عصر، مغرب، و عشا قنوت می گرفت و آنان را لعن و نفرین می کرد(3).

« محمد بن سعد» می نویسد: در یک شب خبر شهدای «بنر معونه» و شهدای «رجیع(4)» فاجعه سوگوار و داغدار شد و در قنوت نماز دعا می کرد که: خدایا! از طایفه های: «بنی لحيان»، «عضل»، «قاره»، «زغب»، «رعل»، «ذکوان»، و «عصیه» را که فرمان خدا و رسول را نبرده اند، انتقام بگیر، و آنان را به قحطی سختی گرفتار ساز. خدایا! «بنی عامر» را هدایت فرما، و از «عامر بن طفیل» خون ما را بگیر(5).

1- همان.

2- در میان مورخان، این حادثه بنام فاجعه «بنر معونه» معروف است.

3- شوکانی، نیل الاوطار، قاهره، مکتبه دارالتراث، ج ۱، ص ۳۵۰.

4- «رجیع» نام محلی بود که پیش از حادثه بنر معونه، گروهی دیگر از یاران پیامبر به دست مشرکان به شهادت رسیدند.

5- الطبقات الكبرى، بیروت، دار صادر، ج ۲، ص ۵۳؛ دکتر آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، ج ۲، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، 1361، ص ۳۳۲.

بعد از آن، مسلمانان از این روش پیامبر پیروی می کردند و هنگام نزول بلا یا بروز گرفتاری و مشکل بزرگ برای مسلمانان، در نماز قنوت می گرفتند و طی آن برای پیروزی و رفع گرفتاری مسلمانان دعا، و بر دشمنان اسلام لعن و نفرین می کردند.

بر اساس همین روش بود که در موسم حج سال ۱۳۷۱ شمسی، به مناسبت کشتار بی رحمانه مسلمانان «بوسنی و هرزگوین» توسط صرب های جنایتکار، امام جماعت های مکه و مدینه قنوت می گرفتند و برای مسلمانان دعا و بر صرب ها نفرین می نمودند.

آنچه گفتیم بر اساس نظریه فقهی مقبول از نظر اهل سنت است. اما در فقه شیعه، گرچه قنوتی به این عنوان (قنوت عندالنازله) مطرح نشده است، ولی فقهای شیعه، نفرین بر دشمنان و بردن نام آنها را هنگام نماز جایز می دانند(1).

دعای قنوت

خواندن هیچ دعایی در قنوت واجب نمی باشد، ولی دعاهاي مختلفی نقل شده است که خواندن آنها در قنوت مستحب است و افضل از همه آنها «کلمات فرج» است. یعنی: «لا اله الا الله الحليم الكريم، لا اله الا الله العلي العظيم(2)»...

1- سيد محمد كاظم يزدي، العروة الوثقى، (فصل القنوت)، ص ۲۴۲.

2- خدایا! مرا با کسانی که هدایت نموده ای، هدایت فرما، و با کسانی که تندرستی به آنان عطا کرده ای، عافیت عنایت کن، و مرا جزء دوستانت قرار بده، و آنچه بر من عطا کردی، با برکت قرار بده، و از خطر قضا و مقدراتت، محفوظم دار چه بر آنکه تو بر همه حکم می رانی و کسی بر تو حکمروایی ندارد. آنکس که او را دوست بداری، خوار و ذلیل نمی گردد، خدایا! تو پروردگار والامقام و بزرگواری.

64

از طریق اهل سنت نقل شده است که «امام حسن مجتبی» - ع - می فرمود: جدم پیامبر، این دعا را به من یاد داد تا در نماز «وتر» بخوانم:

« اللهم اهدني فمّن هديت، و عافني فمّن عافيت، و تَوَلَّني فمّن تَوَلَّيت، و بارک لي فيما اعطيت، و قَني شَرَّ ما قضيت، فانک تقضي و لا يُقضَي عليک و انه لا يَدُلُّ من و اليت، تبارکت ربنا و تعاليت(1)».

این دعا را حجاج کشورهای مختلف در قنوت نماز در مراسم حج می خوانند.

1- نووي، الاذکار، بيروت، دارالعلوم الحديثة، ص ۵۸ - ۵۷.

65

66

دیدگاه شیعه و سنی پیرامون

سلام آخر نماز

سلام آخر نماز، از مواردی است که بین فقهای شیعه و مفتیان اهل سنت، هم از نظر «الفاظ»، و هم از نظر «دفعات سلام»، مورد اختلاف است و نشانه های این اختلاف فقهی، در مراسم حج زمانی که پیروان تمام گروههای اسلامی در نماز جماعت شرکت می کنند - به چشم می خورد، که امام جماعت در پایان نماز، دو سلام می گوید. صورت خود را در اولی به جانب راست و در دومی به سمت چپ متوجه می کند و کلمه «و برکاته» را پس از سلام نمی گوید.

از این نظر لازم است با فتاوی فقهای دو مذهب در این زمینه آشنا شویم:

اکثر فقهای اهل سنت - جز ابوحنیفه - سلام آخر نماز را واجب دانسته و اتمام نماز را موقوف به گفتن آن می دانند. به فتاوی این گروه، گفتن سلام آخر، در نماز جماعت، برای هر یک از امام و مأموم یکبار

67

واجب است و در این مورد استناد می کنند به حدیث منقول از علی - ع - که فرمود: «تحليلها التسليم» یعنی با گفتن سلام، نماز تمام می شود و آنچه در حال نماز حرام بود، حلال می گردد.

« مالک » (پیشوای فرقه مالکی) می گوید: در نماز جماعت باید مأموم دو بار و امام یکبار سلام بگوید (1). اهل سنت این است که: نمازگزار دو سلام می گوید: در اولی صورت را به جانب راست و در دومی به جانب چپ متوجه می کند، سلام اول، واجب و موجب اتمام نماز است و دومی مستحب می باشد (2). مدینه ملاحظه می شود که در پایان نماز دو سلام به دو طرف می دهند، بر اساس همین فتواست. و چنانکه گفتیم اهل سنت در سلام، فقط «السلام علیکم و رحمة الله» می گویند و گفتن «و برکاته» را مستحب نمی دانند (3).

دیدگاه فقهای شیعه

سلام آخر، از نظر فقهای شیعه نیز از واجبات نماز است و تمام شدن نماز و حلال شدن چیزهایی که در حال نماز حرام است، موقوف به گفتن این سلام است. البته برای هر یک از امام و مأموم یکبار بیشتر واجب نیست (4).

1- ابن رشد قرطبی، بدایة المجتهد، ط ۹، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۹ هـ. ق، ج ۱، ص ۱۳۱.

2- نووی، الانکار، بیروت، دارالعلوم الحدیثه، ص ۶۶.

3- نووی، همان کتاب، ص ۶۵.

4- امام خمینی - ره -، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه النشر الاسلامی (التابعة) لجماعة المدرسین، ۱۴۰۴ هـ. ق، ج ۱، ص ۱۶۳.

به فتوای فقهای شیعه، مستحب است که نمازگزار - چه در نماز فرادی و چه در جماعت - هنگام سلام آخر، با گوشه چشم به سمت راست اشاره کند، بگونه ای که روی از قبله برنگرداند، و اگر در نماز جماعت کسی در سمت چپ اوست، مستحب است سلامی هم با اشاره به سمت چپ کند (1).

1- سیدکاظم یزدی - ره -، العروة الوثقی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ص ۲۴۰.